

مکعب سفید

اتفاق خوب، فیلمنامه ضعیف

مقدمه: سیامک صفری یکی از بازیگران شاخص تئاتر است که در نقش‌های مختلف تئاتر همیشه خوش درخشیده و توانسته است نقش‌های بسیار متفاوتی را روی صحنه اجرا کند. یکی از درخشان‌ترین نقش‌های او در نقش آغا محمدخان قاجار در تئاتر «شکار روباه» به کارگردانی دکتر علی رفیعی بود که در سال ۸۸ روی صحنه رفت. صفری چند سال گذشته نیز با بازی در چندین فیلم سینمایی و مجموعه تلویزیونی وارد عرصه تصویری شد. بازی در فیلم «شکان و انگشتر متبرک» و چند داستان دیگر ساخته شهرام مکرری از فیلم‌های سینمایی هستند که صفری در آن بازی کرد. او همچنین در مجموعه «گاو صندوق» ساخته مازیار میری نقشی متفاوت را بازی کرد. صفری در نوروز ۱۳۹۰ با بازی در مجموعه تلویزیونی «پچه‌ها نگاه می‌کنند» بار دیگر به جعبه جادویی بازگشت و با بازی در نقش یکی از دامادهای خانواده یکی از نقش‌های متفاوت را ایفا کرد. سیامک صفری در یادداشتی که در اختیار شرق قرار داده است؛ از این نقش و بازی در فیلم «پچه‌ها نگاه می‌کنند»، گفته است.

■ ■ ■

سیامک صفری



چندی پیش از تولید سریال «پچه‌ها نگاه می‌کنند» از دفتر آقای تخت‌کشیان که تهیه‌کننده این مجموعه تلویزیونی بودند با من تماس گرفته شد و گفتند: می‌خواهند مجموعه‌ای به نام «پچه‌ها نگاه می‌کنند» به کارگردانی حمیدرضا صلاحمند برای ایام نوروز تولید یون تولید کنند و برای یکی از نقش‌ها من را در نظر گرفته‌اند.

من می‌دانستم آقای صلاح‌محمد کارگردان سینما هستند و متوجه شدم این سریال، اولین تجربه تلویزیونی ایشان است. طبیعتاً حضور صلاح‌مند به‌عنوان کارگردانی که نگاه سینمایی دارد و می‌خواهد سریال بسازد برای من جالب بود و دفتر آقای تخت‌کشیان که جزو دفاتر بسیار فعال تولید فیلم است نیز در کنار این کار بود و مرا ترغیب می‌کرد که حضور در این مجموعه تلویزیونی را بپذیرم. از سوی دیگر؛ اکیب بازیگران و حضور تیمی که وارد پروژه شدند بود، نویددهنده اتفاق خوبی بود و حس کردم شرایط برای کار ایده‌آل است و بااین مجموعه عوامل حرفه‌ای می‌توانیم سریال قابل قبول و پرمخاطبی را تولید کنیم.

در زمان تولید این فیلم که حدود دو ماه و نیم به طول انجامید من درگیر پروژه تئاتری به نام «کمی تاب بخوریم» به کارگردانی آرون دشت آرای برای حضور در جشنواره تئاتر فجر نیز بودم.

باید بگویم خطرات بسیار خوبی از زمان تولید این سریال دارم چون تیم بسیار خوبی درگیر کار بود. از پچه‌های پشت صحنه گرفته تا بازیگران، همه عوامل خوب بودند و رفاقت خوبی بین ما شکل گرفته بود و همین باعث شده بود همه عوامل با حس خوب سر صحنه فیلمبرداری حاضر شوند. آقای صلاح‌محمد نیز بسیار انسان و ارسته و شریفی هستند که کمک می‌کردند تا شرایط کار، خوب باشد و فضای کار آزار دهنده نشود.

اما شاید تنها چیزی که گروه را آزار می‌داد وحیف بود، این بود که در کنار این مجموعه و عوامل، کارمان فیلمنامه خوبی نداشت و اگر متن محکم‌تر بود شاید نتیجه بهتری می‌گرفتیم.

این نکته‌ای بود که ببینندگان کار و دوستانی که «پچه‌ها نگاه می‌کنند» را دیده بودند نیز به آن اشاره می‌کردند و معتقد بودند این سریال اگر چه اتفاق خوبی است و به لحاظ بازی بازیگران قابل قبول است اما به لحاظ فیلمنامه دچار ضعف است. البته این مساله را ما در طول کار نیز متوجه شده بودیم و در هنگام فیلمبرداری همه سعی می‌کردند تا در فیلمنامه تغییراتی ایجاد شود اما باز هم نتوانستیم همه نقایص را رفع کنیم.

باید بگویم من بازیگر تئاتر هستم و مدیوم تلویزیون را خیلی خوب نمی‌شناسم. تجربه زیادی در این حوزه ندارم اما به هر حال به نظر من فضای است که می‌توان در آن کار کرد، واقعیت این است که من همیشه روی تئاتر متمرکز بوده‌ام و وقتی وارد تلویزیون و فضای دیگری می‌شوم، علتش عمدتاً مسایل مالی است. یعنی در فضای اصلی کارم تأمین نمی‌شوم به وفقه‌های دیگر گریز نمی‌زنم. البته تلویزیون ویژگی‌های خاص خودش را دارد و حجم وسیع مخاطبان به دیده شدن کمک بیشتری می‌کند. به دلیل دولتی بودن صدا و سیما و دستمزدهایی که می‌دهند و شرایط کار نیز بسیار خوب است و به دلیل بودجه‌ای که در اختیار این نهاد است، این چیز عجیبی نیست.

تلویزیون جایی است که می‌توانم در آن کار کنم تا آن بخش از زندگی‌ام را که تئاتر جایگزین نیست، تأمین کنم.

آقای صلاح‌محمدانه آن روزها که فیلم «نیش زنبور» شما اکران و در اخبار سینمایی نام‌تان مطرح شد و نه این روزها که با سریال نوروزی «پچه‌ها نگاه می‌کنند» بار دیگر مطرح شده‌اید، چندان از سوابق کاری‌تان در سینما و تلویزیون حرفی به میان نیامد و شاید هنوز خیلی‌ها نمی‌دانند که شما از کارگردان‌های مجموعه «آژانس دوستی» بوده‌اید و دستیاری کارگردان‌های بزرگی چون حاتمى، بیضایی، مهرجویی، نقویى، واروژ کریم‌مسیحی، بزرگنیا، مخملباف و دیگرانی از این دست را بر عهده داشته‌اید. چطور است از روزهای که وارد کار تصویر شدید، شروع کنیم.

اگر بخواهیم به روزهای دور برگردیم باید از اینجا شروع کنم که من تحصیلات سینمایی را در دانشکده هنرهای دراماتیک پشت سر گذاشته و همچنین رشته علوم سیاسی را تا فوق لیسانس پشت سر گذاشتم. ورودم به تلویزیون به دو سال پیش از انقلاب اسلامی برمی‌گردد که به عنوان کارآموز وارد شدم و

دستیار فیلمبردار بودم و بعدها فیلمبردار شد که برنام‌های رویتن را تصویربرداری می‌کردم. پس از انقلاب که تحصیلاتم هم تمام شده بود باز هم در تلویزیون کار کردم و دیگر از همان زمان کارگردانی می‌کردم و از سریال «کوچک جنگلی» که متن آن را ناصر نقویان نوشته بود و کارگردانی آن برعهده بهروز اختمی بود، وارد حیطه حرفه‌ای شدم.

البته در آن کار هم همچنان کار فیلمبرداری می‌کردید. درست است؟

بله، مدیر فیلمبرداری آن سریال، نعمت حقیقی بود و من یکی از اعضای گروه فیلمبرداری بودم. همان سریال که آغاز همکاری‌ام با حقیقی بود باعث شد که کارهای بعدی را نیز با ایشان باشم و در نخستین کار سینمایی‌ام در «شاید وقتی دیگر» دستیار بهرام بیضایی بودم و این روند ادامه داشت و تا سال‌ها در کارهای مختلف سینمایی برنام‌ریز و دستیار کارگردان، مدیر تولید و مجری طرح بودم.

نداشتید تا اینکه در چند اپیزود از مجموعه «آژانس دوستی» در مقام کارگردان ظاهر شدید.

بازگشتم به تلویزیون از طریق سری اول «آژانس دوستی» بود که شش با هفت اپیزود از آن را کارگردانی کردم و به نظر خودم هم کارهای بدی نشد. یکی از کارها در سه قسمت و درباره سعدی افشار بود که آن را خیلی دوست داشتم.

اپیزودهایی که شما ساختید همه روی آنتن رفت؟

همه آنها پخش شد.

چرا همکاری‌تان با آن مجموعه قطع شد؟

من در آن مجموعه یکی از کارگردان‌های همپان بودم و قرار مان هم این بود که همان چند قسمت را کار کنم و این گونه نبود که همکاری‌مان به دلایلی قطع شده باشد ضمن اینکه خودم هم در سینما درگیر دستیاری شدم و دیگر چندان وقت برای کار در تلویزیون نداشتم گرچه چند کار رویتن و مستند درباره جنگ هم کارگردانی کردم که یکی از آنها «بل آزادی» بود که بخش‌های مرتبط با خرمشهر آن از سقوط و فتح مجدد آن را می‌نشانخت.

ولی از شما در مقام یک کارگردان، آثار داستانی از آژانس دوستی «تا نوروز ۹۰» که سریال «پچه‌ها نگاه می‌کنند» پخش شد دیگر کاری برای تلویزیون انجام ندادید. دلیل اینکه کار کردن با تلویزیون اولویت‌تان نبود، چه بود؟

یک مدت سعی کردم کار کنم و طرح‌هایی هم دادم که اتفاقاً تصویب هم شد ولی آنقدر ماجر به دراز کشیده شد و من هم وقت آن آمد و رفت‌ها را نداشتم که ترجیح دادم کارهای سینمایی را دنبال کنم. آن روزها دنیای سینما را حرفه‌ای‌تر دیدم.

آمد و رفت‌ها برای چه بود؟ سرنوشت آن طرح‌های تان که گفتید به تصویب رسید چه شد؟ آیا سازمان صدا و سیما آنها را به اشخاص دیگری واگذار کرد؟

از آمد و رفت منظر م پشت سر گذاشتن پروکراسی مرسوم در سازمان است که من حوصله و وقت درگیر شدن با آن را

نداشتم به همین دلیل دیگر دنبال طرح‌ها را نگرفتم. یادم می‌آید یک طرحی درباره بهزیستی با کمک آقای پورمحمدی که آن روزها در گروه اجتماعی شکل اولیه بود، تصویب کردیم که آن هم به نتیجه نرسید. تا آنجا که خبر دارم آن طرح‌ها و حتی سناریوها به شخص دیگری هم برای ساخته شدن واگذار نشده است من هم دیگر دنبال‌شان نرفتم.

پس از سال‌ها که به سازمان بازگشتید، چقدر فضا تغییر کرده بود؟

فضا تغییر کرده بود؟ من دو گونه کار متفاوت انجام دادم. «آژانس دوستی» یک مجموعه غیرمناسبتی و «پچه‌ها نگاه می‌کنند» کاری

مناسبتی بود. در کار مناسبتی، نوع نگاه تلویزیون و همه عوامل کار فراقی دارد و از آنجا که من در هر دو کار به دلیل اینکه کارگردان بودم در متن و بطن ارتباط با سازمان نبودم و این برعهده تهیه‌کننده بود خیلی از جزئیات این تغییر و تحول مطلع نیستم.

همان قدر که به کار شما به عنوان کارگردان مربوط است چقدر تغییر در سیاست‌های سازمان احساس کردید؟

به دلیل اینکه سازمان صدا و سیما در حال حاضر به خوراک بیشتری احتیاج دارد در نتیجه سرعت تولید نسبت به آن سال‌ها بالا رفته و همین امر باعث شده مساله کمک بر کیفیت اولویت پیدا کند و این نگاه به دست‌اندرکاران تولید سریال‌ها هم تعمیم یافته و چون کارهای زیادی به آنها جوع

تلویزیون

گفت و گو با حمیدرضا صلاح‌محمد، کارگردان مجموعه «پچه‌ها نگاه می‌کنند»

کمیت بر کیفیت در تلویزیون اولویت پیدا کرده‌است



نغمه دانش آشتیانی: حمیدرضا صلاح‌محمد، کارگردانی است که مثل خیلی دیگر از کارگردان‌ها هم سینما را تجربه کرده هم تلویزیون را، ولی یک تفاوت با خیلی‌های دیگر دارد آن هم این است که فاصله دو کار تلویزیونی‌اش از هم زیاد است و می‌تواند از تغییر فضا و سیاست‌های حاکم بر این رسانه از دو دهه پیش تاکنون صحبت کند. گرچه این روزها، فیلم «سه درجه تب»‌اش نیز در حال اکران است و مدت زیادی هم‌از نمایش سریال نوروزی «پچه‌ها نگاه می‌کنند» نمی‌گذرد ولی هدف این نبود که درباره این کارها به گفت‌وگو بنشینیم و این گونه شد که از کار در تلویزیون و سینما از دو دهه پیش تاکنون، تأثیر و تأثر این دو مدیوم بر یکدیگر و سیاست‌های حاکم بر آنها تقسیم و شنیدیم.

می‌شود آنها نیز دچار کمی‌گرایی شده‌اند. البته این روزها نظارت بیشتری بر متن وجود دارد و کنترل‌ها توسط افراد حرفه‌ای‌تری صورت می‌گیرد و این‌ها فیلمنامه‌رامی‌شناسند و در همین کار «پچه‌ها نگاه می‌کنند» چند پیشنهاد به من داده شد که از لحاظ ساختاری قابل تأمل بود.

کمی‌گرایی که شما از آن نام می‌برید نه تنها آفتی برای آثار تلویزیونی است بلکه سینما را هم تحت تأثیر منفی قرار داده و به طور عام، آثار سینمایی را که نزدیکی محتوایی و عوامل با سریال‌ها و تله‌فیلم‌ها دارند، نازل کرده است.

قطعا همین طور است؛ حتی روی دستمزدها بازیگران و دیگر عوامل هم تأثیر داشته و به دلیل اینکه همیشه در تلویزیون برای طیف وسیعی از عوامل کار هست مطالبات مالی آنها از سینما بالا رفته است. در بحث مقایسه تولیدات تلویزیون در دو دهه گذشته، نسبت به امروز باید این نکته را اضافه کنم که در گذشته به دلیل اینکه تعداد کارها کمتر بود فرصت برای تعمق بیشتر بود ولی امروز سازمان ناچار است مانند کارخانه برنام‌سازی برای شبکه‌های مختلف تولید داشته باشد که بخشی از آن اجتناب‌ناپذیر است ولی برای غلبه بر این مشکل لازم است گستره نظارت کیفی را هم بالا ببریم تا هر اثری ساخته و پخش نشود.

آن پروکراسی که در دهه‌های پیش با آن روبه‌رو شده بودید باز هم وجود دارد؟ احساسم این است که در گذشته تلویزیون دست به عصات عمل می‌کرد ولی این روزها ریتم در تولید تندتر شده و وقتی تصمیمی گرفته می‌شود، به سرعت اجرایی می‌شود و این نشان می‌دهد در بخش تولید حرفه‌ای‌تر شده‌اند و همین هم باعث شده تعدادی عوامل، به ویژه کارگردان‌هایی داشته باشیم که مدیوم تلویزیون و روابط و ضوابط حاکم بر آن را به خوبی می‌شناسند و کارهای بدی هم تحویل نمی‌دهند.

یکی از مسایلی که درباره عملکرد سازمان در بحث انتخاب عوامل مطرح می‌شود، این است که بیشتر روابط بر ضوابط حاکم است و همین باعث حذف برخی چهره‌ها و انحصار بر نام‌سازی برای عده‌ای خاص شده است. دیدگاه شما در این باره چیست؟

چه در سینما، چه در تلویزیون اولویت با افرادی است که پیش از این امتحان‌شان را پس داده‌اند حال این مساله در رسانه ملی به عنوان یک ارگان دولتی که باید به ازای بودجه‌ای که دریافت می‌کند حداقل تولیدی داشته باشد، تشدید می‌شود و آنها در برخورد با نام‌های ناشناخته، احتیاط زیادی

دارند که طبیعی است. ارتباط دست‌اندرکاران تلویزیون با تهیه‌کننده‌هاست و افرادی را برمی‌گزینند که تأیید شده باشند و از این مرحله به بعد هم روابط تهیه‌کننده با دیگر عوامل، سرنوشت‌ساز است و ضمانت ورود افراد تازه در دست آنهاست. البته این یک فرمول عام است که در سیستم اداری رابطه است که حرف اول را می‌زند.

اگر بپذیریم که تلویزیون حق دارد با تهیه‌کننده‌هایی که آشنایی چندانی ندارد کار نکند همین توجیه برای تهیه‌کننده‌ها هم وجود دارد که عواملی را وارد کارشان نکنند که قبلاً امتحان‌شان را پس داده‌اند و در چنین

چرخه‌ای قطعا یک عده همیشه کار دارند و یک عده ندارند.

این روزها ریتم در تولید تندتر شده و وقتی تصمیمی گرفته می‌شود، به سرعت اجرایی می‌شود و این نشان می‌دهد در بخش تولید حرفه‌ای‌تر شده‌اند و همین هم باعث شده تعدادی عوامل، به ویژه کارگردان‌هایی داشته باشیم که مدیوم تلویزیون و روابط و ضوابط حاکم بر آن را به خوبی می‌شناسند و کارهای بدی هم تحویل نمی‌دهند



کردند و چیزهایی را خواستند که ناچار شدم، بپذیرم. چرا ناچار شدید؟

من در آن کار سرمایه‌گذار هم بودم و چون قرار داده‌ا را بسته بودم باید دستمزد عوامل را می‌دادم و همین باعث شد که شرایط را بپذیرم ولی نتیجه آن این شد که شیرازه قصه، فکر و ذهنم از هم پاشید. شاید اگر آن ممیزی‌ها در آن موقع اعمال نمی‌شد «مانه» کار بهتری می‌شد. فیلمنامه آن را بر اساس یک سوزخه سخت‌گیرانه نوشته بودم و به دلیل اینکه دستما‌به‌های سیاسی – اجتماعی داشت، بیشتر محدوده کارگردان‌های بخت‌نر بود.

از آنجا که «مانه» را یک کار ناموفق در کارنامه‌تان می‌دانید آیا همین باعث شد که تا سال ۸۸ که نیش

کنداکتور پخش

تکرار فیلم‌های نوروزی در آخر هفته

■ شرق: در حالی که مسوولان رسانه ملی در گفت‌وگوهای مختلفی که انجام می‌دهند، تأکید می‌کنند که تلاش آنها برای نمایش فیلم‌های سینمایی و مجموعه‌های جدید است، اما در دو هفته‌ای که از ایام نوروز می‌گذرد، فیلم‌های سینمایی که از شبکه‌های مختلف سیما پخش شده است، فیلم‌های خارجی و تله‌فیلم‌هایی است که در ایام نوروز یا پیش از آن هم به نمایش در آمده است.

همین پنجشنبه و جمعه‌ای که گذشت یعنی ۲۵ و ۲۶ فروردین ماه، پنج شبکه تلویزیون از این میان فیلم‌های متعددی که فراهم دیده بودند، «سفر دور و دراز» کاپیتان دریگ، «دایره سرخ، استاد، برف‌های خوین، عمو بوت نات، به من نگو دزد، علیه تراست، گرگدن زرد، زندگی دوباره و ممعای آرتا برای چندمین بار از شبکه‌های مختلف سیما پخش شده است. نکته قابل توجه در فهرست فیلم‌های سینمایی به نمایش درآمده در این آخر هفته، این است که در میان بیش از ۱۰ فیلمی که قرار است از شبکه‌های مختلف به نمایش درآید، هیچ کدام فیلم‌های سینمایی ایرانی نیستند و همه فیلم‌ها نسخه‌های صغفه و نیمه فیلم‌های سینمایی جهان یا تله‌فیلم‌های ۹۰ دقیقه‌ای است که توسط سیمافilm در یکی دو سال گذشته ساخته شده است.

سینمای ایران حلقه مفقوده در رسانه ملی

در چند سال گذشته هم‌زمان با بالا رفتن ساعات نمایش فیلم‌های سینمایی در شبکه‌های مختلف تلویزیونی مسوولان تلویزیون بارها تأکید داشتند که قصد دارند با نمایش فیلم‌های متنوع رضایت مخاطبان مختلف را جلب کنند. اما این تأکید در حالی بود که با آنکه مسوولان صدا و سیما تعدادی از فیلم‌های روز سینمای جهان را دوبله و با حذفیات روی آنتن فرستادند اما هیچ جایی برای نمایش فیلم‌های ایرانی تازه‌ای که در سینمای ایران تولید و اکران می‌شد، در نظر نگرفتند. موضوعی که همچنان با بررسی فهرست هفتگی فیلم‌های سینمایی به نمایش درآمده در آخر هفته یا ایام دیگر به چشم می‌خورد. در ایام نوروز ۹۰ که بیش از ۱۰۰ فیلم برای نمایش در شبکه‌های تلویزیونی آماده نمایش شده بود، سهم سینمای ایران تنها تعداد محدودی فیلم بود که در میان آنها چند فیلم از جمله بی‌پولی، سوپر استار و ده رقی سال گذشته هم از شبکه‌های مختلف سیما به نمایش در آمدند و تنها دو فیلم کتانی سفید و کتاع که هر دو محصول سال ۸۷ بودند در همان سال اکران عمومی شدند، از شبکه چهارم سیما با کمترین تبلیغات به نمایش در آمدند. البته شبکه سوم سیما و شبکه اول سیما هر شب در نیمه‌های شب نیز فیلم‌هایی را به نمایش می‌آورند که در میان آنها تعدادی از فیلم‌های سینمای ایرانی گنجانده شده بود که مانند آپارتمان شماره ۱۳ و دیگه چه خبر بود که دو دهه از ساخت‌شان می‌گذشت و فیلم‌ها از تلویزیون پخش شده بودند. نکته جالب و تلخ در این نوع گزینش آثار، این است که نمایش این حجم فیلم غیر ایرانی در رسانه ملی با شعارها و اهداف برخی از شبکه‌های تلویزیونی مغایرت دارد و در برخی از موارد نقضی کننده آنهاست.

شبکه‌ها برای سینمای غیر ایرانی

شبکه اول سیما بعد از هدف‌گذاری شبکه‌های تلویزیونی توسط معاونت سیما در چند سال گذشته با شعار شبکه یک، شبکه‌ها برای ایرانی فعالیت جدیدی را آغاز کرد. در آن زمان مدیریت وقت این شبکه اعلام کرد که هیچ گونه فیلم یا مجموعه تلویزیونی غیر ایرانی در این شبکه پخش نمی‌شود. اما حتی زمانی که این سیاست با قوت هر چه تمام‌تر در این شبکه تلویزیونی اعمال می‌شد هیچ کدام از آثار شاخص سینمای ایران اجازه رفتن روی آنتن را نداشتند و مسوولان این شبکه برای حل مشکل معاونت در مقابل فیلم‌های سینمایی با همکاری سیمافilm دست به تولید تله فیلم‌های ۹۰ دقیقه‌ای زدند. البته این تله فیلم‌ها در ابتدای اعمال این سیاست با توجه به دعوت برخی از کارگردانان، تهیه‌کنندگان و بازیگران شاخص سینما و قرار دادهای کتالی که بسته می‌شد از کیفیت نسبی بر خوردار بودند. البته این تله فیلم‌ها نه تنها سهم سینمای ایران را از رسانه ملی کم کرد بلکه باعث شد تعدادی از بازیگران تئاتر به تلویزیون بیایند و برخی از تئاترها با مشکل بازیگر روبه‌رو شوند. از سوی دیگر نیز با توجه به دستمزدهایی سینما خواستار دستمزدهایی بالاتر از آنچه پیش از این پرداخت می‌شد، بودند. اما بعد از مدتی با توجه به این موضوع که برخی از این تله فیلم‌ها با سیاست‌های رسانه ملی تضاد داشتند، رفته رفته به سمت آثاری رفتند که صرفاً قصد خندانن مخاطب را داشتند و از محتوای زیادی برخوردار نبودند. بسیاری از این فیلم‌ها به سبک برخی از مجموعه‌های تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی از فیلمنامه‌ای قوی بر خوردار نبودند و با حضور برخی از بازیگران شناخته شده‌ای که با بداهه گویی و حرکات تکراری کلیشه‌شده و بی محتوا قصد خنده گرفتن زورکی را مخاطب را دارند، ساخته می‌شدند در همین سوزوز و هفته‌های پیش هم از این قبیل فیلم‌ها که هزینه ساخت آنها محدود به دستمزد بازیگرانش بود ساخته شدن آن هم از تعداد انگشتان یک دست، فراتر نمی‌رفت.